

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی
www.haftegi.com

۶۲

۲۲ تیر ۱۳۸۰

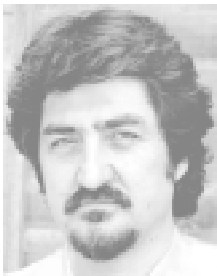
۱۳ ژوئیه ۲۰۰۱

جمعه ها منتشر میشود

هیچ بخشی از حکومت دیگر نمیتواند جلوی رشد اعتراضات مردم را بگیرد

گفتگو با منصور حکمت

درباره اوضاع سیاسی و جناحهای حکومت



ای میان سران اصلی حکومت، در تمایز با سیاستهای افراطی و مواجهه گرانه تر محافل دیگر در هر دو جناح، حول درک مشترکی از ملزومات بقاء حکومت در برابر تعرض مردم.

هفتگی: چهارچوب سیاسی و تاکتیکی این مرکز جدید چه میتواند باشد، دستورکارش به دوم خرداد نزدیک تر خواهد بود یا جناح راست؟ آیا دعوای بین دو جناح رژیم را کنترل خواهد کرد، به اعتراضات و خواسته های مردم چه برخوردی خواهد کرد؟
صفحه ۲

من تلاش برای "اصلاح" رژیم اسلامی از طریق ائتلاف جدیدی از فراکسیونهای حکومتی، که دوم خرداد فقط یکی از آنها خواهد بود، ادامه پیدا میکند. خود دوم خرداد به پایان راه خود رسیده است. اما هم جریان ملی-اسلامی که از سهم خود در حاکمیت ناراضی است، و هم بخشهایی از جناح راست که موقعیت انفجار آمیز کشور را فهمیده اند، عمیقا به ضرورت دگردیسی رژیم اسلامی معتقدند و نوعی رفرم در حاکمیت را شرط بقاء رژیم شان میدانند. این به معنی پا گرفتن نوعی مرکز جدید در حکومت است. پیدایش یک وحدت تاکتیکی

حاکمیت قرار بدهند. الان در پایان این دوره هستیم و صورت مساله سیاسی اصلی در کشور، یعنی نخواستن مردم و نتوانستن حکومت، با تاکید بیشتر در سطح جامعه طرح میشود و به رویدادهای آتی و عملکرد ازودگاههای سیاسی اصلی در ایران شکل میدهد. جنبش اعتراضی بخشهای مختلف مردم، بویژه کارگران، زنان، دانشجویان و جوانان در اشکال مستقل تری بروز پیدا میکند و رابطه این اعتراضات با اپوزیسیون میلیتانت بیرون حکومت، بخصوص کمونیسم کارگری، نزدیک تر میشود. در خود هیات حاکمه، بنظر

هفتگی: اکنون بعد از بی خاصیت شدن جریان دوم خرداد، حتی بعنوان دریاچه ای که مردم از کانال آن اعتراضشان را ابراز میکردند، صف بندیها و تقابلهای اصلی در اوضاع سیاسی ایران را چه مبینید؟
منصور حکمت: بنظر من تقابل مردم در برابر حکومت در کلیت آن صریح تر و شفاف تر میشود. خاتمی و دوم خرداد، با کمک تتمه جنبش ملی-اسلامی که در دوره های قبل برخلاف میل خود به اپوزیسیون رانده شده بودند، توانستند چند سال دستور کار سیاسی جامعه را تحت الشعاع اختلافات درونی

برپائی جنبش مجمع عمومی های کارگری

صفحه ۴

مریم ایوبی سنگسار شد

صفحه ۳



پیرامون وقایع

۱۸ تیر ۸۰

مصطفی صابر

اظهارات معاون امنیتی سیاسی استاندار تهران در باره دستگیری ها (که منظم در حال افزایش بوده و تا ۸۵ نفر رسیده است) پوشش خبری چندانی ندهند. تناقض مضحک بین "آرامش" روزنامه ای و آنچه در خیابانها گذشت، فقط ناشی از این نبود که کدهای امنیتی و "توصیه های" وزارت ارشاد و وزارت اطلاعات دوم خردادی به روزنامه ها رعایت شد. چنین ۱۸ تیری از نظر رژیم "آرام" بود. انتظار بیش از این را داشتند.

حوالی دانشگاه تهران در

صفحه ۳

روزنامه های رژیم، از هر دو جناح، تیتترهایی شبیه این زدند: "سالگرد فاجعه کوی دانشگاه با آرامش برگزار شد." کمتر به روی خود آوردند که پایتخت در روز ۱۸ تیر ۸۰، بویژه در حوالی دانشگاه و کوی، از صبح حالت غیر عادی داشت. که انبوه نیروهای انتظامی با یونیفرم و تجهیزات کامل و صدها تن در لباس شخصی، خیابانهای اطراف دانشگاه را قرق کرده بودند و سرانجام از ساعت ۹ عصر عملا حکومت نظامی و منع عبور و مرور در منطقه وسیعی در مرکز تهران برقرار شد. یا ترجیح دادند به درگیریهای بین جوانان و عناصر رژیم و

دستگیر شدگان ۱۸ تیر باید فوراً آزاد شوند!

روز ۱۸ تیر جمهوری اسلامی در هراس از اعتراضات وسیع دانشجویان و مردم در تهران حکومت نظامی اعلام کرد. اوپاش مسلح رژیم محوطه دانشگاه و اطرف آن را محاصره و ده ها نفر را دستگیر کردند. به گفته دولت اسلامی ۸۵ نفر در این روز در تهران دستگیر شده اند.

آزادی بی قید و شرط بیان، تشکل و اجتماعات از حقوق پایه ای و خدشه ناپذیر مردم است. جمهوری اسلامی بطور روزمره این حق ابتدایی مردم را زیر پا گذاشته و هزاران نفر را در سیاه چال های خود اسیر کرده است. دانشجویانی که در اعتراضات گسترده ۱۸ تیر ۷۸ و ۷۹ دستگیر شده اند، هنوز در اسارت جمهوری اسلامی و زیر شکنجه های وحشیانه قرار دارند.

آزادی دانشجویان دستگیر شده و کلیه زندانیان سیاسی خواست فوری مردم آزادیخواه است. حزب کمونیست کارگری با تمام قوا جنایات و اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را افشاء و برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ تیر ۱۳۸۰، ۱۱ جولای ۲۰۰۱

انجمن مارکس لندن

شنبه ۲۱ ژوئیه

صفحه ۳

کنگره اول

سازمان جوانان کمونیست

۲۷ تا ۲۹ ژوئیه ۲۰۰۱

ورود برای عموم آزاد است

تلفن تماس:

۰۱۷۴ ۹۴۴ ۰۲۰۱ (۰۰۴۹)

رادیو انترناسیونال

۲۵ متر

۱۱۶۳۵ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب

بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

گفتگو با منصور حکمت

سرخرمن و عقب نشینی های جزئی نمیتوانند کسی را به خانه بفرستند. اعتراضات کارگران و افسار زحمتکش جامعه بر سر خواسته های رفاهی بصورت یک تپش دائمی و پرشتاب در مرکز جنبش مردمی علیه جمهوری اسلامی جای گرفته است و هر روز که میگذرد بر حدت و ابعاد آن افزوده میشود. در سطح سیاسی و فرهنگی مردم تکلیف جمهوری اسلامی را برای خود روشن کرده اند. این نظامی نیست که مردم ایران و بویژه نسل جوان حاضر باشد در آن زندگی کند. مردم میخواهند بساط این حکومت را جمع کنند. در نتیجه نه سرکوب و نه وعده، موج اعتراضات را کاهش نخواهد داد. در یک کلمه، کشمکش جناحهای حکومت دیگر نه در مرکز توجه مردم است و نه بر روند حرکت آنها تاثیر تعیین کننده ای دارد.

هفتگی: در روزهای اخیر و در شرایطی که هنوز بیشتر از یکماه از انتخابات ۱۸ خرداد نگذشته، جناح های حکومت بر سر مسائلی مانند ماجرایی لباس شخصی ها در جریان ۱۸ تیر دو سال پیش، دزدیهای کلان در وزارت نفت، استراق سمع و غیره همدیگر را گاز میگیرند، ارزیابی شما از این کشمکشهای جدید چیست؟

منصور حکمت: بنظر من هیچ چیز جدیدی در این کشمکشها نیست. انتخابات نقطه عطفی نبود. ما اکنون با همان روندها و همان نقطه تعادلی روبرو هستیم که در ماههای قبل از انتخابات برقرار بود. تمام تلاش هردو جناح در انتخابات این بود که این تعادل قوا به زیان شان تغییر نکند. در تقویم سیاسی هیچیک از دو جناح انتخابات حلقه ای در یک تعرض سیاسی به دیگری نبود. هیچکدام آرزوی فرا رسیدن انتخابات را نداشت. انتخابات یک واقعه اداری بود که موعدها رسیده بود. این واقعه را به هر قیمت پشت سر گذاشتند و سر کشمکشهای روتین شان برگشتند.

هفتگی: شما در مصاحبه با رادیو انترناسیونال به این موضوع اشاره کرده اید که خط رفسنجانی نسبت به جریان دوم خرداد برای خود رژیم معقول تر است. دلیل و توضیح شما در این مورد چیست و چه استنتاج سیاسی معینی از آن میگیرید؟

منصور حکمت: جمهوری اسلامی شانس بقاء ندارد. چه با دوم

خرداد، چه با خط رفسنجانی و چه با خط خامنه ای. من در رادیو انترناسیونال در چهارچوب ارزیابی از موقعیت رفسنجانی به این اشاره کردم که در قیاس با دوم خرداد که از نقطه نظر دینامیسم درونی و بنیادهای اساسی رژیم اسلامی یک خط اتویپیک و شکست طلبانه محسوب میشود، خط رفسنجانی یک آلترناتیو زمینی تر را نمایندگی میکند. پلاتفرم رفسنجانی، در تاکید بر ضرورت عادی سازی مناسبات سیاسی و دیپلماتیک با غرب، جلب سرمایه و تخصص و مدیریت غربی و تحکیم رابطه اقتصاد ایران با بازار جهانی اختلافی با مواضع دوم خردادی ها نداشت. حتی صراحت بیشتری داشت. اما رفسنجانی یک مدل چینی را دنبال میکرد و هنوز میکند. این گشایش اقتصادی و دیپلماتیک (و حتی بدرجای فرهنگ) از نظر او نه فقط منافاتی با ولایت فقیه و حفظ انحصاری قدرت در دست جناح راست و وارثین خمینی نداشت، بلکه حفظ این قدرت انحصاری شرط آن گشایش بود. رفسنجانی برخلاف دوم خردادی ها هیچ نوع گشایش و اصلاحات سیاسی ای را که متضمن شریک شدن ملی اسلامی های "غیر خودی" در حکومت باشد را نمیخواست و نمیدانید. عامل اجرایی چرخش بسوی غرب از نظر رفسنجانی مبیایست خود لایه فوقانی حاکمیت اسلامی باشد. رفسنجانی در این سیاست (که آن را آغاز هم کرد و اگر یادتان باشد همین طایفه اپوزیسیون ملی اسلامی دوم خردادی امروز را هم به حال خلسه در آورد و به مدح و ثنای "پرزیدنت رفسنجانی" کشاند) شکست خورد چون نتوانست بر مقاومت ضد غربی در درون خود حاکمیت فائق بیاید. بنظر من با شکست رفسنجانی بحران آخر حکومت اسلامی آغاز شد. بحرانی که نمیتواند در چهارچوب رژیم اسلامی پاسخ بگیرد. پلاتفرم رفسنجانی پاسخی از درون سیستم برای بحران این سیستم بود. اما مبنای پلاتفرم دوم خرداد، اعلام شکست جمهوری اسلامی و فراخوانی اتویپیک و توخالی برای ایجاد یک جمهوری اسلامی دوم بود. نفس پیدایش دوم خرداد گواه این بود که مردم دیگر به جدال قدرت قدم گذاشته اند و رژیم اسلامی شانس بقاء ندارد.

هفتگی: بدلیل موقعیتی که امروز حزب کمونیست کارگری در ایران پیدا کرده، خیلی ها، هم مخالف و هم موافق حزب،

هفتگی: روند تجزیه جریان دو

درباره اتحاد و ائتلاف با جریانات دیگر علیه جمهوری اسلامی صحبت میکنند. نظر شما در این مورد چیست؟

منصور حکمت: قبل از هر ائتلافی باید نیروی خود را سازمان داد. قبل از هر اتحادی باید خط و مرزهای هویتی و تفاوتی اجتماعی و آرمانی نیروها را ترسیم کرد. ممکن است نیروهای کاملا واگرا در میان اپوزیسیون به یک عمل همسو و هماهنگ علیه رژیم اسلامی دست بزنند. ممکن است حتی آگاهانه به یک عمل مشترک دست بزنند. اما وظیفه اول ما این است که کاری کنیم دهها میلیون مردم ایران تفاوتی ما را بشناسند و آگاهانه انتخاب کنند. برای ما الان مهم است که مردم شریف و زحمتکش در ایران، کارگران ایران، زنان ایران، بدانند پاسخ واقعی به مشقات امروز، کمونیسم و حزب کمونیست کارگری است. وحدت عمل و ائتلافی که بر آگاهی و وقوف مردم بر تفاوتی نیروهای اپوزیسیون مبتنی نباشد، عملا در خدمت جریانی قرار میگیرد که بطور خودبخودی در فرهنگ و افکار و تبلیغات حاکم بر جامعه دست بالا دارد، یعنی نیروهای بورژوازی. یک کمونیسم بسیار قوی، شرط حیاتی هر نوع وحدت عمل و ائتلاف پیشرو در صف اپوزیسیون است. ما فعلا میخواهیم این کمونیسم بسیار قوی را بسازیم. ما گوشه گیر و سکتاریست نیستیم. ذهن باز و گوش شنوایی داریم. از حضور همه کس و هرکس در هر سنگر مبارزه آزادیخواهانه استقبال میکنیم. اما ایجاد جبهه ها و اتحادی سازمانی امروز در دستور ما نیست. ■

خرداد حداقل در میان دانشجویان و تشکلهای آنان از مدتی قبل آغاز شده و تاکنون جریاناتی از میان دانشجویان اعلام موجودیت کرده اند که بنحوی در مقابل رژیم و جریان دو خرداد هستند. ارزیابی شما از این جریانات و سیر محتمل "جنبش دانشجویی" چیست؟

منصور حکمت: "جنبش دانشجویی" در یک رژیم استبدادی دست راستی کانون رشد کمونیستهاست. سیر قدرت گیری کمونیسم در دانشگاهها و در میان دانشجویان خیلی وقت است آغاز شده است. حرکتی که در سطح رسمی و علنی در صفوف دانشجویان دیده میشود، تنها تصویری دو بعدی از یک حرکت به مراتب عظیم تر است که در عمق جریان دارد. باید رابطه این حرکات در سطح رسمی و شبه قانونی را با آن تحولات عمقی شناخت. به موازات هر سازمان و کانون دانشجویی که در سطح علنی از خاتمی و دوم خرداد "عبور" میکند، هزاران دانشجوی رادیکال دارند به مارکس و کمونیسم کارگری تمایل پیدا میکنند. اساسا رشد میلتناسی در سطح قانونی انعکاس چیزی جز این موج چپگرایی در عمق نیست. بنظر من دانشگاهها در تحولات جاری و آتی سیاسی در ایران به مراتب حتی از دوران انقلاب ۵۷ هم چپ تر خواهند بود. و خط روشن تر و فکر شده تری هم خواهند داشت. حزب کمونیست کارگری دارد وسیعا در محیطهای دانشجویی مورد توجه قرار میگیرد.

هفتگی: بدلیل موقعیتی که امروز حزب کمونیست کارگری در ایران پیدا کرده، خیلی ها، هم مخالف و هم موافق حزب،

پرسش شماره ۳

به سردبیری علی جوادی منتشر شد!

در این شماره میخوانید: عروج و افول اسلام سیاسی: الیویه روی، یان لسر، گراهام فولر، اروند آبراهامیان و منصور حکمت.

رسانه ها و ساختار قدرت: نوآم چامسکی. سیاست و اقتصاد در صندوق بین المللی پول. آمریکا، اسلام و ایران. زن و جنسیت در دوران مشروطه. از نزدیک و خصوصی با عارف و ویگن. خودکشی با کمک پزشک، آری یا نه؟ فارسی را باید به لاتین نوشت. تئوری واحد جهان. گفتگو با لنین. لباس دنیای آینده. بیل گیتز، میلیارد ر سلخته. پرسش خواندنی، جذاب و دندانگیر است!

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید
www.radio-international.org

از صفحه ۱

پیرامون وقایع ۱۸ تیر ۸۰

۱۸ تیر ۸۰ بی شبهات به یک شهر اشغال شده توسط نظامیان نبود. نیروهای تا به دندان مسلح هر جنبه ای که قیافه ای جوان و شبیه دانشجوی داشت را زیر نظر داشتند، به آنها بدبین بودند و به آنها حمله میکردند. (و از این جنبه ها، چه پسر و چه دختر، بسیار بود.) هر کسی میدانست که اگر توازن شکننده مبتنی بر برتری نظامیان و اوباش اسلامی بهم بخورد یا جایی شکافی باز شود، صحنه نبرد به شدت تغییر خواهد کرد. کسی قادر به پیش بینی دامنه و عواقب چنین فورانی نبود. اما این بسیار آشکار بود که دو قطب کاملاً مخالف رودروی یکدیگر قرار داشتند. در یک سو سرکوبگران جمهوری اسلامی و در سوی دیگر جسور ترین عناصر نسلی که رژیم اسلامی را نمی خواهد بپذیرد و به خیابان آمده بودند تا بگویند "مرگ بر جمهوری اسلامی". نسلی که یک دنیای بهتر میخواهد، نسلی که عادی ترین خواسته هایش بالاترین و پیشروترین دستاوردهای جوامع کنونی بشری است، نسلی که شکست نخورده و به تغییر

از پیچ و خم های امنیتی - انتظاماتی جلسه در بروند و دست به تظاهرات در محیط دانشگاه بزنند. در واقع تقسیم کاری صورت گرفته بود. بیرون دانشگاه توسط حزب الله و نیروی انتظامی کنترل میشد و داخل دانشگاه توسط بقایای تحکیم وحدت و چهره های رنگ باخته دوم خرداد. مضمون صحبت های دوم خردادی ها هم جز هشدار به آن یکی جناح که "۱۸ تیر تمام نشده، و اعلام برائت از "خشونت طلبان" و آشوبگران" و شکوه و شکایتی نظیر "گنجی و سحابی رفتند که آرام بکنند، ببین حالا کجایند"، چیز دیگری نبود. این حرفها در مقابل صف آرای جدی، خشن و پر تنشی که در خیابان وجود داشت، حکم لطیفه بی محل بود. ۱۸ تیر امسال رویارویی بلاواسطه و بدون میانجی سرنگون طلبان و حکومت اسلامی بود. حزب الله نیامده بود تا جلسه تحکیم وحدتی ها را بهم زند. آمده بود تا جلوی "تحریک شدگان توسط رادیوهای برانداز" را بگیرد. نیروی انتظامی دنبال کسانی میگشت که به این رادیو ها گزارش میدادند. دومین سالگرد ۱۸ تیر سیر رو به رشد تحول سیاسی مهمی که در اوضاع ایران صورت گرفته، یعنی ورود احزاب

سرنگونی طلب، از جمله حزب کمونیست کارگری، به متن تحولات سیاسی جامعه را با وضوح بیشتری به نمایش گذاشت. وقایع حول و حوش ۱۸ تیر امسال هم قابل تعمق بود: این که کارگران یک کارخانه فولاد سازی جاده کرج درست ساعت یازده صبح ۱۸ تیر ۸۰ را برای عمل متحد خود جهت گرفتن دستمزدهای معوقه عامدانه انتخاب کردند یا نه، به جای خود. بهر حال به مجرد بستن جاده کرج و در عرض مدت کوتاهی، به محاصره واحد دیگری از همان "نیروهای ضد شورش" در آمدند که جلوی دانشگاه را قرق کرده بودند. فرمانده نیروی انتظامی (از ترس وصل شدن این اعتراض به ۱۸ تیر؟) خود در مقام میانجی بین کارگر و کارفرما ظاهر شد و در عرض یکساعت وعده اختصاص وام به کارفرما جهت پرداخت حقوق های معوقه را از مقامات بالا گرفت تا بتواند به جاده بستن کارگران پایان بخشد. همینطور هر اندازه که کارگران جامکو بطور "اتفاقی" در روز بعد از ۱۸ تیر جلوی مجلس جمع شده باشند و حقوق های معوقه را طلب کرده باشند،

مهم اینست که وقتی جوابی از نمایندگان مجلس نشنیدند، آنها را بشیوه ۱۸ تیری "هو" کردند. تردیدی نباید داشت که باریکاد بندی مردم چند محله اصفهان و حمله به ساختمانهای دولتی در اعتراض به بی آبی، یک هفته قبل از ۱۸ تیر یک اتفاق بود. اما اولاً تمام آن مملکت تحت حکومت اسلامی با بی آبی روبرو شده و هر روز دارد از اینگونه اتفاقات می افتد، ثانیاً در این "اتفاق" هم این ۱۸ تیری ها، عمدتاً نسل جوان، بودند که لاستیک آتش زدند و محله را به کنترل درآوردند. اینجا هم همان نیروی انتظامی به سراغ شان رفت و ۴۰ نفر شان را دستگیر کرد. خلاصه آنکه پس اسلامی قادر میشود با آن تدارکات و به خیابان آوردن نیروی نظامی ۱۸ تیر را از سر بگذراند، از آنسو تشخیص بین ۱۸ تیر و غیر ۱۸ تیر واقعا دشوار و دشوارتر میشود. هر چه سرنگونی جمهوری اسلامی به درازا میکشد راه نجاتی بر آن گشوده نمی شود، برعکس، نیروی اجتماعی عظیم تری بر علیه آن متراکم میشود. ■

انجمن مارکس لندن

ورود برای عموم آزاد است

شنبه ۲۱ ژوئیه - ۱۲ تا ۵ بعد از ظهر

انقلاب روسیه ۱۹۱۷-۱۹۲۷ بررسی تحلیلی
جلسه اول: زمینه های انقلاب،
انقلاب فوریه و از فوریه تا اکتبر

گورش مدرسی

جایگاه انقلاب روسیه، زمینه های انقلاب : جنبش های اجتماعی، احزاب و شخصیت های سیاسی. حزب سوسیال دمکرات روسیه، انشقاق بلشویسم و منشویسم، جنگ اول، انشعاب در سوسیال دمکراسی اروپا، انقلاب ۱۹۰۵، جنبش کارگری و ... نیروهای اجتماعی و سیاسی در آستانه انقلاب فوریه، انقلاب فوریه ۱۹۱۷، از فوریه تا اکتبر،

آدرس: لندن

The York
82 Islington High St.X

جنب ایستگاه Angel

لطفا راس ساعت ۱۱/۳۰ در محل حضور بهم رسانید
ورودی ۵ پوندورود کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال اکیدا ممنوع است
لطفا دوربین و ضبط صوت همراه نیاورید

Tel: 0771 461 1037 Fax: 0870 133 4206

Email: marxociety@yahoo.com

Website: www.marxsociety.com

مریم ایوبی سنگسار شد

های مدافع حقوق انسان در اروپا، آمریکا، آسیا و آفریقا به عضویت این کمیته پیوسته اند و صدها نامه اعتراضی خطاب به محمد خاتمی رئیس جمهور اسلامی علیه سنگسار ارسال کرده اند. با فعالیت گسترده این کمیته سازمانها، احزاب و مردم بسیار زیادی از سرنوشت مریم ایوبی مطلع شده اند.

جمهوری اسلامی در طول حاکمیت سیاه خود صدها زن را سنگسار کرده است. آخرین مورد آن روز ۳۱ اردیبهشت بود که زنی را بعد از ۸ سال اسارت به اتهام بازی در فیلمهای پرنو و روابط جنسی خارج از ازدواج در زندان اوین سنگسار کردند.

حزب کمونیست کارگری خاتمی و وزرای کابینه اش، خامنه ای، رفسنجانی، مسئولان سه قوه و سایر سران این

صبح امروز ۲۰ تیرماه مریم ایوبی توسط جنایتکاران حکومت اسلامی در زندان قصر در تهران سنگسار شد. مریم ایوبی ۳۲ ساله، مادر مجید ۸ ساله و حمید ۱۱ ساله مدتها بود در زندان بسر میبرد. مقامات قضائی جمهوری اسلامی چندماه قبل بر طبق قانون اساسی و برطبق شریعت کشیف اسلام، حکم سنگسار، اعدام و صدضربه شلاق او را صادر کردند و امروز پاسداران و بازجویان شکنجه گر، پس از زدن صد ضربه شلاق به مریم ایوبی، او را به جرم رابطه جنسی خارج از ازدواج سنگسار کردند. پرونده سران حکومت اسلامی با این جنایت هولناک باز هم سنگین تر شد.

بدنبال اعلام حکم مریم ایوبی در ماههای گذشته، کمیته بین المللی علیه سنگسار" به ابتکار مینا احدی تشکیل شد که تاکنون بیش از ۱۵۰ سازمان و شخصیت

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

برپائی جنبش مجمع عمومی های کارگری یک ضرورت حیاتی و عاجل برای طبقه کارگر

فاتح بهرامی

ضرورت برپائی جنبش مجمع عمومی کارگری در شرایط امروز ایران فقط به اهمیت وجود تشکل فاکتور کلی محدود نیست. دو فاکتور مهم، موضوع برپائی جنبش مجمع عمومی و دامن زدن به آتزا به یک امر حیاتی و عاجل برای طبقه کارگر ایران تبدیل کرده است: اول وضعیت اقتصادی و معیشتی فلاکتبار طبقه کارگر و دوم اوضاع سیاسی جامعه و نقش طبقه کارگر در روند تحولات آتی. اینها توجه به جنبش مجمع عمومی را در خصوص مسائل طبقه کارگر دوچندان میکنند. به جنبه هائی از این بحث اشاره میکنم.

کارگران، زنان، جوانان و در کل انسانهای شریف و زحمتکش در ایران رژیم اسلامی را نمیخواهند و خواهان سرنگونی آن هستند. مبارزه این مردم علیه حکومت اسلامی بطور مداوم در ابعاد و اشکال گوناگون در جریان است و گسترش این مبارزه و ذلیل بودن رژیم برای پایادن دادن به آن به یک امر مسلم نزد هم مردم و هم حاکمان اسلامی بدل شده است. مبارزات هر روزه کارگران در دفاع از سطح نازل معیشت خود، علیرغم پراکندگی و عمدتاً دفاعی بودنش، همین اندازه به سران رژیم در دو جناح فهمانده است که توجه همدیگر را به "صدای پا کارگران" جلب کنند. هراس رژیم از کارگران مربوط به زمانی است که طبقه کارگر به وضعیت تشکل و اتحاد خود سر و سامان داده و برای کوبیدن مهر خود بر تحولات سیاسی جامعه بمیدان آمده است. هیچ زمانی در جمهوری اسلامی باندازه امروز زمینه برای پیشروی کارگران فراهم نبوده است. باین دلیل که هم اقشار وسیع مردم

در کمین این حکومت نشسته اند که آتزا بیندازند و هم تشکلت و ناتوانی رژیم و بحران سیاسی و اقتصادی آن امکان مقابله و عقب راندن مردم را از بین برده است. "امت" به صحنه آمده که حکومت خدا را به درک بفرستد. کارگران باید سریعاً متحد شوند، طبقه کارگر باید پرچم مطالبات انسانی اقشار دیگر جامعه را بدست گیرد و برای رقم زدن سرنوشت جامعه بعد از جمهوری اسلامی خود را آماده کند.

اما طبقه کارگر برای ایفای این نقش خود باید متحد باشد و حزب طبقاتی اش را داشته باشد. در مورد حزب، برخلاف انقلاب ۵۷، امروز طبقه کارگر ایران از حزب طبقاتی خود بهره مند است، این حزب، حزب کمونیست کارگری ایران است. حزبی قدرتمند با برنامه و مطالبات روشن، با آرمان آزادی و برابری انسانها، مصمم به دخالت در سرنوشت جامعه که به قدرت سیاسی نظر دارد و برای تسخیر قدرت و برپائی یک جمهوری سوسیالیستی در ایران تلاش میکند. حزبی است قدرتمند و بانفوذ و نماینده آرزوهای انسانی، مدرن و اکثریت آزدیخواهانه کارگران و اکثریت مردم ایران که همه امکاناتش را برای انداختن رژیم اسلامی و برپائی یک حکومت کارگری بکار گرفته است. طبقه کارگر ایران از بابت حزب، امروز کمبودی ندارد. کارگران باید به این حزب پیوندند. اما در عرصه تشکل های توده ای طبقه هنوز چنین نیست. معضلی که طبقه کارگر باید فوریت به آن جواب بدهد.

روشن است که کارگران برای اینکه همچون یک طبقه در سطح جامعه قد علم کنند باید تشکلهای سراسری و توده ای خود را ساخته باشند. بهترین، ممکن ترین و قابل دسترسترین جواب به این معضل، شوراهاى کارگری است که سلول و پایه آن

مجمع عمومی است. مجمع عمومی کارگری نزد کارگران ایران شناخته شده است و همین امروز اکثر مبارزات کارگری از طریق مجمع عمومی به پیش برده میشوند. بنابراین لازم است و میتوان جنبش مجمع عمومی را راه انداخت، گسترش داد و تثبیت کرد. یعنی کارگران در هر محیط کاری که مجمع عمومی ندارند، درست کنند. مجمع عمومی موجود را منظم کنند و بین مجمع عمومی کارخانه های مختلف ارتباط برقرار کنند، این جنبش مجمع عمومی است. اگر مجمع عمومی در کارخانه ها و محیط های کار و بویژه در صنایع بزرگ و کلیدی برقرار شود و ارتباط بین این مجمع از طریق نمایندگان کارگران و فعالین آنها برقرار شود، یک گام مهم و اساسی در جهت ایجاد تشکل سراسری کارگران برداشته شده است. در چنین حالتی طبقه کارگر خیلی سریع و موثر قادر به دخالت در اوضاع جامعه و تغییر وضعیت اقتصادی خود خواهد شد.

وضع اقتصادی طبقه کارگر امروز در شرایط اسفناکی است. بخش قابل توجهی از کارگران مزدشان را حتی دریافت نمیکند و بقیه هم زیر خط فقر هستند. گرانی و سطح معیشت بشدت نازل کارگران و خانواده های آنان و محرومیت از امکانات جامعه وضعیت این طبقه را در یک مخاطره جدی قرار داده است. علاوه بر وضع وخیم اقتصادی حکومت اسلامی، یک دلیل اصلی تحمیل این شرایط ضد انسانی به طبقه کارگر عدم قدرتمندی کارگران در مقابل رژیم است، و دلیل آن فقدان تشکل های توده ای کارگران و در نتیجه عدم امکان مقابله قدرتمند با سرمایه داران و دولت جمهوری اسلامی است. از اینرو هر تغییری در وضعیت اقتصادی طبقه کارگر و تحمیل هر عقب نشینی به جمهوری اسلامی اساساً

در گرو این است که کارگران متحدتر در عرصه مبارزه طبقاتی ظاهر شوند. بنابراین موضوع برپائی جنبش مجمع عمومی در عین حال یک پاسخ فوری برای آماده شدن کارگران در جهت تغییر موقعیت اقتصادی و معیشت آنان است. تصور کنید در کشوری که کارگر برای گرفتن همان دستمزد ناچیز خود باید جاده ببندد و تظاهرات کند، آنگاه ارتقاء سطح معیشت و مثلاً گرفتن افزایش دستمزد متناسب با تورم در غیاب تشکل قوی و ابراز وجود قدرتمند طبقاتی چقدر غیرقابل دسترس است. تا کی فرزندان کارگران بدلیل بی امکاناتی و محرومیت و به جرم اینکه والدینشان کارگر هستند باید از تحصیل و شادی امکانات جامعه محروم شوند که یک عده انگل سرمایه دار وحشی-اسلامی سود بیشتری به جیب بزنند. حقوق پایمال شده و بلعیده شده کارگران را فقط باید با مبارزه متحد و قدرتمند کارگران از حلقوم آنها بیرون کشید. جنبش مجمع عمومی را باید با تمام قوا راه انداخت. اما این موضوع وظایف خطیر و مهمی را روی دوش کارگران کمونیست و رهبران عملی طبقه کارگر میگذارد. وظیفه این رفقا است که راه بیفتند و از طرق ارتباطات گوناگون که در اختیار دارند کمک کنند که مجمع عمومی کارگری در هر کارخانه و محیط کاری درست شود. به کارگران باید توضیح دهند که قدرت آنها در تشکل و اتحادشان است. برخلاف سرمایه دار که سرمایه و پولش منشا قدرتش است، کارگر تنهائی دارای هیچ قدرتی نیست. قدرت کارگر منفرد صفر است. اما تشکل به کارگران قدرت میدهد. مجمع عمومی کارگران این امکان را بوجود میآورد. کارگران از طریق مجمع

مجمع عمومی متحد میشوند، قدرتمند میشوند، اراده شان را میتوانند مستقیماً اعمال کنند. بطور جمعی با کارفرما روبرو هستند، کارفرما دیگر نحوه رفتار با کارگر منفرد را نمیتواند با کارگر متحد و متشکل بکند، چون مجمع عمومی را پشت سرش دارد. مجمع عمومی کارگری به کارگران جسارت میدهد و امکان ابراز وجود میدهد. مجمع عمومی کارگران امکان مشورت و تصمیم گیری جمعی را بین کارگران بوجود میآورد، کارگر احساس قدرت داشتن در مقابل کارفرما و امکان دفاع از حرمت انسانی خویش را تجربه میکند، همچنین دفاع از منفعت مشترک و کنار گذاشتن تفرقه و رقابت و غیره. کارگران در مجمع عمومی خود که منظم برگزار میکنند میتوانند راجع به هر موضوعی از مسائل مربوط به محیط کار و دستمزد و بهداشت تا مسائل مختلف جامعه، وضع کارگران دیگر و همبستگی با آنان حرف بزنند و تصمیم بگیرند.

در صورتیکه مجمع عمومی بطور منظم در محیط های کار برپا شود و این مجمع بهمدیگر مرتبط شوند آنگاه طبقه کارگر در وضعیت متفاوتی قرار میگيرد. امکان سراسری شدن مطالبات کارگران، حمایت بخشهای مختلف طبقه از مبارزات همدیگر، و مهمتر از همه امکان ابراز وجود قدرتمند و یکپارچه در مقابل کارفرما و دولت اولین نتایج قوام گرفتن این جنبش مجمع عمومی است که امروز در فقدان آنها طبقه کارگر ایران بهای زیادی را میپردازد و رژیم اسلامی سرمایه از این موقعیت کارگران سوء استفاده میکند. برپائی جنبش مجمع عمومی کلید عبور از وضعیت فعلی و نامناسب طبقه کارگر ایران است. باید آستین ها را بالا زد.

سخنرانی علی جوادی در آلمان

اسن : شنبه ۱۴ ژوئیه، ساعت ۱۵، تلفن تماس ۰۱۷۴۲۵۶۰۲۶۹

CVJU - Sozialwerk - Hindenburg Str. 59

فرانکفورت: یکشنبه ۱۵ ژوئیه، ساعت ۱۶، تلفن ۰۱۷۲۹۷۱۶۲۲۷

Eckenheimer Land Strasse 93

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org
www.wpibriefing.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org
www.jawanan.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:

www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England